

جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن

حسن خیری*

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران

محمدیاسین بصیرت**

دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی (مجمع آموزش عالی علوم انسانی گروه مطالعات

اجتماعی)، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰)

چکیده

جامعه‌پذیری از مباحث علوم اجتماعی و بحث مهمی در جامعه‌شناسی است. جامعه‌پذیری در جامعه‌شناسی معاصر، فرهنگ را برگرفته از جامعه تحلیل می‌کند. جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی اسلامی، متناسب با فرهنگ اسلامی می‌باشد. از این رو، پرداختن به جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی از نگاه منابع اسلامی ضروری است. در نظام اجتماعی قرآن، جامعه‌پذیری به عنوان مهم‌ترین منبع، مسئله پژوهش بوده است. از این رو، سؤال اصلی این است که جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن چگونه است؟ برای روشن شدن این بحث، تبیین شده است که اساس نظام اجتماعی قرآن را باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی تشکیل می‌دهد. عملیاتی شدن این مجموعه فرهنگی در نظام اجتماعی با جامعه‌پذیری است. روش تحقیق کیفی، توصیفی-تحلیلی اسنادی با بهره‌گیری از تفسیر بوده است و با رویکرد مفهومی و نظری، مفاهیم نظام اجتماعی و جامعه‌پذیری و اهداف آن شناسایی، و به عناصر جامعه‌پذیری شامل (روش، محتوی و عوامل) پرداخته شده است. در این عناصر، موارد از روش آموزشی، تقلید و تأثیرپذیری از گروه مرجع و در محتوی، بخش فرهنگ‌شناختی شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها، و عوامل جامعه‌پذیری، مانند خانواده، آموزش و پرورش، همسالان و رسانه‌های جمعی توضیح داده شده‌اند و موارد از آیات قرآن متناسب با بحث‌ها، مطرح و تبیین شده‌اند. نتیجه تحقیق حاضر این بوده که جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن مبتنی بر نظام الهی توحیدی است. از این نظر، همه آموزه‌های اجتماعی پذیرفتنی نیست، بلکه فرایند جامعه‌پذیری متناسب با فرهنگ قرآنی در باورها، ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد.

واژگان کلیدی: نظام، نظام اجتماعی، جامعه‌پذیری، قرآن، فرهنگ.

* E-mail: Hassan.khairi.i@gmail.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: m.iasinbasirat@gmail.com

مقدمه

محتوای جامعه‌پذیری کدامند؟ عناصر جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن کدامند؟ روش تحقیق کیفی، توصیفی-تحلیلی با استفاده از تفسیر بوده‌است. در این پژوهش، مفاهیم مهم بحث، توصیف و تحلیل، و اهداف و مبانی نظری جامعه‌پذیری توضیح داده شده‌است. سپس با توجه به چارچوب نظری، داده‌ها با ترکیب جامعه‌شناسی و تفسیری تحلیل شده‌اند. پیشینه پژوهش، مقاله «قرآن و جامعه‌پذیری» از حجت‌الاسلام آقای فاضل حسامی، در مجله معرفت چاپ شده‌است (ر.ک؛ حسامی، ۱۳۸۸: ۳۷-۵۶). آقای فاضل حسامی در مقاله خود پس از تحلیل جامعه‌پذیری در جامعه‌شناسی و بیان عوامل آن، آیات قرآن را ذکر می‌کنند که تنها در عامل خانواده، جامعه‌پذیری در آیات مرتبط تحلیل شده‌است، اما در دیگر عوامل، آیات مرتبط با آن‌ها ذکر نشده‌است و آیات دیگر مرتبط با دیگر مباحث جامعه‌پذیری تحلیل شده‌است؛ برای نمونه، جامعه‌پذیری از محیط زندگی و اعضای بدن و کنترل اجتماعی را تحلیل کرده‌است، اما روش و محتوای جامعه‌پذیری مشخص نشده‌است. در این مقاله، جامعه‌پذیری با رویکرد جامعه‌شناسی فرهنگی به آیات پرداخته شده‌است و در تحلیل منظم در روش، محتوی و عوامل، آیات متناسب با بحث انتخاب و تحلیل شده‌اند. مباحث این مقاله، مفاهیم کلی از نظام، نظام اجتماعی، جامعه‌پذیری و اهداف آن پرداخته‌است. عناصر جامعه‌پذیری شامل (روش، محتوی و عوامل) در نظام اجتماعی قرآن، با توجه به مبانی نظری و محوریت فرهنگ اسلامی در باورها، ارزش‌ها و هنجارها بررسی شده‌اند.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم نظام (System)

واژه نظام برگرفته از ریشه «نظم» است. نظم نتیجه نهایی انتظام و در نتیجه، ذات زندگی است. از این رو، از دیرباز مفهوم جامعه را با کلمه نظم اجتماعی به کار می‌برند. به همین دلیل، پارتو (Pareto) و پارسونز (Parsons) کلمه نظام را که به معنی مجموعه‌ای

یگانه است از حوزه علوم فیزیکی و زیستی، اتخاذ و نظام اجتماعی را جایگزین نظم اجتماعی کرده‌اند. جامعه به دلیل مناسبات یا بستگی‌ها و روابط متقابل اجتماعی بین سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که نظام نام گرفته‌است (ر.ک؛ آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۷: ۲۶۳).

۲-۱. نظام اجتماعی

در جامعه‌شناسی، نظام اجتماعی ناظر به نظم اجتماعی است و نظم اجتماعی از مفاهیم مورد بحث در نظریات کارکردی و نظریات ساختی-کارکردی می‌باشد. اساسی‌ترین مفهوم در کارکردگرایی، مفهوم نظام اجتماعی است. کارکردگرایان نظام اجتماعی را کلی می‌دانند که یگانگی و یکپارچگی دارد. کل، مجموعه‌ای است که همه واحدها و عناصر ساختی و بخش‌های مختلف آن با یکدیگر تناسب و سازگاری دارند (ر.ک؛ و شه، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

نظام اجتماعی قرآن، مفهوم خاصی دارد و نشأت گرفته از فرهنگ قرآنی است. در نظام اجتماعی قرآنی، به مؤلفه‌های فرهنگی شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها اهمیت اساسی داده شده‌است. در این نظام اجتماعی، حرکت، تلاش و کوشش افراد در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود آنان است. افراد در این نظام اجتماعی مرتبط با خدای متعال هستند و به وجود و وحدت آفریننده جهان هستی ایمان دارند و همه الگوهای رفتاری با توجه به ارتباطات الهی-اجتماعی انجام می‌گیرد. آقای مصباح ضمن بحثی در این زمینه با عنوان «جامعه آرمانی اسلامی» چنین می‌گوید: «چهار نوع ارتباط؛ ارتباط با خدای متعال، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با انسان‌های دیگر از ویژگی‌های جامعه آرمانی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۱۵-۴۱۸).

۳-۱. جامعه‌پذیری

آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، جامعه‌پذیری را چنین تعریف می‌کند: «فرایندی که بر پایه آن، مجموعه حیات و فعالیت‌های انسانی در شبکه وابستگی‌های متقابل اجتماعی جای می‌یابند. از نظر او، جامعه‌پذیری فرایندی است روانی-اجتماعی که بر پایه آن، شخصیت پایه تحت تأثیر محیط، خصوصاً نهادهای تربیتی، خانوادگی و دینی شکل می‌یابد» (بیرو، ۱۳۷۰: ۹۹). در جامعه‌شناسی از جامعه‌پذیری تعبیر به اجتماعی شدن می‌شود و بر این اساس، جامعه‌پذیری را چنین تعریف کرده‌اند: «اجتماعی شدن فراگردی است که انسان‌ها از طریق آن، شیوه زندگی کردن در جامعه خود را یاد می‌گیرند، شخصیتی کسب می‌کنند و آمادگی عملکرد به عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند» (بروس کوئن، ۱۳۸۳: ۷۴).

مفهوم جامعه‌پذیری در قرآن، یعنی کسب هویت الگوی رفتاری در شیوه زندگی با توجه به آموزه‌های فرهنگ قرآنی در قالب باورها، ارزش‌ها و هنجارها، به گونه‌ای که جامعه بتواند با نهادینه کردن آن‌ها در افراد، نظام اجتماعی سالمی داشته باشد.

۴-۱. عناصر جامعه‌پذیری

عناصر جامعه‌پذیری شامل سه بخش «روش، محتوی و عوامل» است. روش، راه‌هایی است که برای جامعه‌پذیر کردن افراد یک جامعه انجام می‌گیرد. منظور از محتوای جامعه‌پذیری، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است. عوامل، سازوکار دارند که هدف جامعه‌پذیری را عملیاتی می‌کنند؛ یعنی فضاهایی هستند که مایل به انتقال فرهنگ خود هستند. این عوامل عبارتند از: خانواده، آموزش و پرورش، همسالان و رسانه‌های جمعی.

۲. روش‌های جامعه‌پذیری

روش‌های جامعه‌پذیری، مکانیسم‌های است که عوامل جامعه‌پذیری از طریق آن‌ها به جامعه‌پذیر کردن افراد می‌پردازند. این روش‌ها در قالب دو روش آشکار و پنهان است. در روش آشکار، جامعه‌پذیری به طور رسمی و مستقیم انجام می‌شود. تقلید، تلقین و آموزش نمونه بارز این روش است (ر.ک؛ منادی، ۱۳۸۷: ۷۲-۷۶). جامعه‌پذیری در روش پنهان، غیرمستقیم و غیررسمی است. روابط متقابل، تأثیرپذیری از گروه مرجع و آموخته‌های تصادفی از موارد روش پنهان در جامعه‌پذیری است (ر.ک؛ رابرتسون، ۱۳۷۷: ۱۵۵). از میان این روش‌ها، به سه روش آموزشی، تقلید و تأثیرپذیری از گروه مرجع در جامعه‌پذیری نظام اجتماعی قرآن پرداخته می‌شود.

۱-۲. روش آموزشی

روش آموزشی قرآن با تبیین جهان‌بینی همراه است. قرآن مظهر رحمت و جلوه ربوبیت خداوند و کتاب شناخت، تربیت و هدایت انسان است و به دلیل برخوردار بودن از چنین هویتی، مطالعه دقیق کتاب تشریح در نظام اجتماعی و نظام تکوین در هستی‌شناسی را به قصد دریافت تصور روشن و واقع‌بینانه از آن‌ها به بشر توصیه می‌نماید تا از این طریق، راه تعالی و تکامل خود را هموار و زمینه فلاح و رستگاری را فراهم سازند (ر.ک؛ البقره/ ۵۲). در این کتاب مقدس، روش آموزش با توجه به حکمت حقایق هستی در کنار تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم وحی، به عنوان عامل مؤثر در راستای رهایی انسان از ضلالت مطرح است (ر.ک؛ الجمعة/ ۲). در آیه اخیر، روش آموزشی در قرآن تبیین شده است. علامه طباطبایی این آیه را چنین تفسیر کرده است:

﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾. کلمه "تزکیه" که مصدر "یزکیهم"

است، مصدر باب تفعیل است و مصدر ثلاثی مجرد آن، "زکات" است که به معنای نمو صالح است؛ نموی که ملازم خیر و برکت باشد. پس تزکیه آن جناب مردم را به معنای آن است که ایشان را به نموی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و

اعمال صالحه را عادتشان کند و در نتیجه، در انسانیت خود به کمال برسند و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد، سعید زندگی کنند و سعید بمیرند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۷).

معلم‌ان با در نظر داشتن روش آموزشی قرآن، دانش آموزان را به گونه‌ای جامعه پذیر کنند که آن‌ها بیاموزند پیروی و پابندی به ارزش‌های الهی بر گرایش‌ها و هوس‌های پست زمینی برتری دارد؛ چنان‌که قرآن فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفُسِكُمْ﴾ (الحجرات/۱۳). همچنین، مریان فراگیران را به گونه‌ای پروراند که بتوانند غرایز و گرایش‌های خود را مهار و آن‌ها را به گونه‌ای درست و موزون پاسخ گویند. دستاورد دیگر این پرورش آن است که فراگیران می‌توانند بر خواسته‌ها و هوس‌های زودگذر خود تسلط یابند و آن‌ها را در راه کسب ملکات برتر اخلاقی، مانند ایثار و فداکاری و در یک کلمه، در راه خداپرستی به کار گیرند.

۲-۲. تقلید در جامعه پذیری

تقلید یکی از روش‌های جامعه‌پذیری است. تقلید از نگاه قرآن دو دسته است: تقلید پسندیده و تقلید ناپسند. آیاتی که بیان‌کننده تقلید ناپسند هستند:

«و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده‌است، پیروی کنید، می‌گویند: نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کردند و به راه صواب نرفته‌اند [باز هم درخور پیروی هستند]» (بقره/۱۷۰).

در آیه دیگر می‌فرماید: «چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده‌است و به سوی پیامبر [ش] بیایید، می‌گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند!» (المائده/۱۰۴).

علامه فضل‌الله در تفسیر آیات تقلید ناپسند می‌نویسد:

«منطق تقلید کسانی که به راه پدرانشان اقتدا می‌کنند، این است که فکر نمی‌کنند اساس قانونی بودن رویه ایشان را و به همین سبب، طرح قرآنی را در جدول فکری خود دخالت نمی‌دهند و اصرار دارند بر آنچه از گذشته به آن‌ها رسیده است و فرصت برای حرکت جدید در زمان کنونی و آینده نمی‌دهند. زمان نزدشان متوقف و تکامل به نهایت رسیده است. بیرون از دایره آنچه برایشان منتقل شده، تفکر ندارند. قرآن مردم را با این تقلید ناپسند مواجه می‌سازد و این فکر را غیرعلمی دانسته است و منحرف از خط اسلامی معرفی کرده است. اسلام برای انسان این توانایی را می‌بیند که تلاش نماید و به حق برسد و این فکر اسلامی در عصر اولیه اسلام به اثبات رسیده است و از خلال آیات قرآن شناخته می‌شود» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق.، ج ۳: ۱۷۹).

جامعه‌پذیری با روش تقلیدی ناپسند در نظام اجتماعی قرآن، پذیرفتنی نیست. افراد جامعه که با روش تقلید ناپسند جامعه‌پذیر شوند، اندیشه‌ای منجمد و بسته دارند و زمینه هر گونه تکامل اجتماعی را مسدود می‌کند. فرهنگ منتقل شده از گذشته را اگرچه منطقی نباشد، اصول زندگی قرار می‌دهند و فکر انسان‌هایی را که در زمان حال و آینده زندگی می‌کنند، به فرهنگ گذشته منحصر می‌کنند. با توجه به آیات قرآن، جامعه‌پذیری با روش تقلید از گذشته ناپسند است که منطق تفکر را نمی‌پذیرد و تنها تقلید کورکورانه است.

در برخی آیات قرآن، جامعه‌پذیری با روش تقلید پسندیده یادآوری شده است. خداوند در این آیات می‌فرماید:

«پس اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی جويا شوید؛ [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم] و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند» (النحل / ۴۳-۴۴).

تقلید با پرسش از اهل علم و پیروی از آگاهان، امری پسندیده است. «ذکر» به معنی آگاهی و اطلاع است و اهل ذکر مفهوم وسیعی دارد که همه آگاهان و اهل اطلاع را در زمینه‌های مختلف شامل می‌شود (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۲۴۱). بنابراین، روش تقلید پسندیده یکی از روش‌های جامعه‌پذیری قرآن در نظام اجتماعی مطرح شده است. جامعه‌پذیری افراد در جامعه اسلامی، با روش پسندیده تقلید انجام شود. مفاهیم قرآن از سوی آگاهان برای مردم تبیین شود و مردم با تقلید از معارف قرآنی معرفت به باورها، ارزش‌ها و هنجارها پیدا کنند و در جامعه عملیاتی نمایند.

۳-۲. تأثیرپذیری از گروه مرجع

گروه مرجع، الگوبخش در نظام اجتماعی است. الگوگیری از گروه مرجع، یکی از روش‌ها در جامعه‌پذیری است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (الأحزاب / ۲۱). در المیزان، آیه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾، چنین تفسیر شده است:

«کلمه "أسوة" به معنای اقتدا و پیروی است و معنای "فِي رَسُولِ اللَّهِ"، یعنی درباره رسول خدا^(ص) و اسوه درباره رسول خدا^(ص)، عبارت است از پیروی او و اگر تعبیر کرد به "لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ - شما درباره رسول خدا^(ص) تأسی دارید" که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می‌کند، برای این است که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است و شما همیشه باید به آن جناب تأسی کنید. معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا^(ص) و ایمان آوردن شما به او این است که در گفتار و رفتار به او تأسی کنید و از او پیروی نمایید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۳۲).

گروه مرجع در نظام اجتماعی قرآن، شخص رسول خدا، محمد^(ص) می‌باشند. امام علی^(ع) در الگوگیری از اهل بیت^(ع) می‌فرماید: «اهل بیت^(ع) زمامداران حق و یقینند.

پیشوایان دین و زبان‌های راستی و راست‌گویانند. پس در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند، به سوی ایشان هجوم ببرید» (نهج‌البلاغه / خ ۸۷). افراد در جامعه‌پذیری نیاز به الگو دارد. هر اندازه الگوی گروه مرجع از اصالت کمال‌بخش و جامعیت اساسی برخوردار باشد، تأثیرگذاری بیشتری روی افراد دارد. در نظام اجتماعی قرآن، شخص پیامبر و اهل بیت آن حضرت به عنوان الگوی گروه مرجع است، به لحاظ اینکه افراد در جامعه‌پذیری، کمال‌نهایی را در شناخت و عمل به باورها، ارزش‌ها و هنجارها مد نظر داشته باشند و مطابق با آن الگو جهت‌گیری نمایند.

۳. فرهنگ اسلامی محتوای جامعه‌پذیری در قرآن

در علوم اجتماعی، فرهنگ عبارت از الگوهایی است آشکار و ناآشکار از رفتار و بررسی رفتار که به واسطه نمادها حاصل می‌شود. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سستی (یعنی نشأت گرفته و انتخاب شده در سیر تاریخ)، به‌ویژه ارزش‌های وابسته به آنهاست، جنبه فرهنگی عالم فوق جسمانی شامل معانی، ارزش‌ها، هنجارها، برهم‌کنش و مناسبات آنها، گروه‌های به هم پیوسته و به هم ناپیوسته آنهاست...» (گولد، ۱۳۸۴: ۶۲۹). مطابق با این تعریف فرهنگ، بخش از عناصر فرهنگ که مهم‌ترین به شمار می‌روند، شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها، محتوای جامعه‌پذیری را تشکیل می‌دهند.

بر اساس اینکه فرهنگ عبارت باشد از مجموعه‌ای از اجزای آن، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است. این اجزا، اهرم قدرتمندی هستند که می‌توانند با برنامه نظام‌مند، رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های جامعه را تنظیم کنند، جامعه‌پذیری باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ اسلامی می‌توانند تحریک‌کننده انگیزه برای ایجاد کنش شوند و این امر می‌تواند نظم در نظام اجتماعی را پایه‌ریزی کند. این پتانسیل‌های دینی در قرآن برای جامعه‌پذیری به عنوان یک منظومه فرهنگی وجود دارد؛ چراکه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در راستای رسیدن به جامعه سالم است. فطری بودن آموزه‌های فرهنگ اسلامی، مؤثر در جامعه‌پذیری است. قرآن کریم فطری بودن آموزه‌های اسلامی چنین بیان می‌کند: «پس روی (دل) خود را متوجه آیین پاک پروردگار کن. این فطرتی

است که خداوند انسان را بر آن آفریده است و دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آیین محمد و استوار» (الروم/۳۰). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید: «نوع انسان به حکم فطرتی که در او ودیعه نهاده شده است، طالب کمال و سعادت حقیقت خود، یعنی استیلا بر برترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی است و روزی به آن خواهد رسید» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۴: ۱۴).

هماهنگی آموزه های اسلامی با فطرت، مطابق با تکامل، سازگاری با طبیعت، ساختار آفرینش افراد و برآوردن نیازهای طبیعی آنها شرط لاینفک برتری و کارآیی یک آیین است؛ زیرا در غیر این صورت، تعالیم آن عملی نخواهد شد و نقش و جایگاه خود را در راستای رساندن جامعه به سعادت و خوشبختی از دست می دهد. آموزه های اسلام به دلیل انطباق با فطرت و سرشت الهی جامعه به هر نژاد، فرقه و طبقه ای عرضه شود، آن را همساز با ندای درونی خود می یابد و به راحتی پذیرای آن می شود و برای اعتلا و پیشرفت آن از هیچ کوششی فروگذار نمی کند.

۳-۱. باورهای فرهنگی

باورها از عناصر فرهنگی در جامعه پذیری نظام اجتماعی می باشند و در واقع، «باورهای فرهنگی، ایده هایی هستند که گروه ها از آنها الهام می گیرند و از طریق آنها هدایت می شوند. این همان چیزی است که با نام بُعد "انگاره ساختی" از آن یاد می شود. هر فرهنگی یک بُعد انگاره ساختی شناخت پذیر است» (سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد، ۱۳۷۹: ۲۸۸). باورهای فرهنگی جایگاه مهمی در نظام اجتماعی دارد و به بیان باهنر: «نظام هنجاری، ارزشی، تربیتی آموزشی و دیگر نظام های اجتماعی بر باورها استوار است» (باهنر، ۱۳۶۱: ۶).

باورهای فرهنگی نظام اجتماعی قرآن در گروه متقین تبلور یافته است و در قالب سه اصل کلی (اعتقاد به خدای یکتا، اعتقاد به جهان آخرت و اعتقاد به بعثت پیامبران) بیان شده است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ... * وَالَّذِينَ

يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿البقره / ۲-۴﴾. طبق این آیات، سه اصل کلی باورها عبارتند از: ۱- آنان که به غیب ایمان می‌آورند. ۲- آنان که بدانچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده‌است، ایمان می‌آورند. ۳- آنان که به آخرت یقین دارند. این باورهای فرهنگی با جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن بر اساس هدایت الهی نهادینه می‌شود. این هدایت با تقوی داشتن افراد در نظام اجتماعی در ارتباط است؛ بدین معنا که هدایت الهی برای جامعه‌پذیری باورهای فرهنگی، مشروط به ظهور تقوی در نظام اجتماعی است. عضویت افراد در گروه اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای در جامعه‌پذیری دارد و افراد با عضویت در گروه متقین، به گونه‌ای جامعه‌پذیر می‌شوند که می‌توانند از هدایت الهی برخوردار و سعادت ابدی را داشته باشند.

۲-۳. ارزش‌های فرهنگی

ارزش‌ها از عناصر فرهنگی در جامعه‌پذیری نظام اجتماعی است. در واقع، «ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۶)؛ به عبارت دیگر:

«ارزش‌ها سازمان می‌یابند و به صورت یک "آرمان" درمی‌آیند که جامعه آن را به افراد خود عرضه می‌کند. این آرمان راهنمای اندیشه‌ها و اعمال است و به قول دورکیم، "جامعه" بدون ایجاد آرمان تشکیل نمی‌شود. در واقع، سیستم ارزش‌ها هم‌چنان که با ایدئولوژی، اسطوره‌ها و اعتقادات یک گروه اجتماعی تناسب دارد، با سازمان و نحوه عمل زندگانی اجتماعی نیز باید متناسب باشد» (مندراس، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۶۴).

از آنجا که نظام اجتماعی در قرآن با جامعه آرمانی تصویرشدنی است، ارزش‌ها در فرهنگ قرآنی، آرمان‌هایی هستند که راهنمای اندیشه و اعمال بوده، باید با اعتقادات جامعه اسلامی تناسب داشته باشد و در چگونگی زندگی اجتماعی عملی شوند. در قرآن، ارزش‌ها ریشه در وحی دارند و از جانب خداوند متعال به وسیله انبیای الهی در اختیار بشر قرار داده شده‌اند. این ارزش‌ها اگر در نظام اجتماعی عملیاتی شوند، جامعه به سعادت حقیقی می‌رسد. این ارزش‌ها دینی هستند و از سایر ارزش‌ها متمایزند. به بیان یکی از

نویسندگان، ارزش‌های دینی ویژگی‌هایی دارند: «از قبیل ثبات و دوام، طراوت و بالندگی، انسجام‌بخشی و قداست ارزش دینی» (ر.ک؛ مریچی، ۱۳۸۲: ۹-۲۴). نمونه‌های از شاخص ارزش‌ها در فرهنگ قرآنی در آیات بیان شده‌اند: شامل احترام به والدین و احسان به نزدیکان، یتیمان و مسکین‌ها و نیکو سخن گفتن با مردم (ر.ک؛ البقره/۸۳)، انفاق در سختی‌ها و آسانی‌ها، فروبردن خشم و گذشت از خطای مردم (ر.ک؛ آل عمران/۱۳۴)، گفتار دربارهٔ صدقه دادن و کارهای پسندیده و اصلاح اجتماعی (ر.ک؛ النساء/۱۱۴) و تعاون و همکاری اجتماعی و کمک نکردن به گناه و دشمنان و تقوای اجتماعی داشتن (ر.ک؛ المائده/۲). در این آیات، ارزش‌های فرهنگی در نظام اجتماعی بیان شده‌است. جامعه‌پذیری ارزش‌هایی مانند احترام به پدر و مادر و نیکی کردن به افراد نزدیک (نسبی یا سببی خویشاوندان و اقوام) و کمک و انفاق کردن به دیگران، از جمله به افراد ضعیف (یتیم‌ها و مسکین‌ها) و خوش‌رفتاری با مردم در سخن گفتن، خشونت نداشتن و عفو و چشم‌پوشی از اشتباه افراد، داشتن همکاری و اصلاح اجتماعی، نمونه‌های ارزش‌ها در نظام اجتماعی قرآن هستند که افراد متناسب با آن‌ها جامعه‌پذیر شوند تا جامعه مطلوب قرآنی شکل بگیرد.

۳-۳. هنجارهای فرهنگی

هنجارها از عناصر فرهنگ در جامعه‌پذیری است. در واقع، «هنجارها یکی از مفاهیم مرکزی و هسته‌ای جامعه‌شناسی، به مفهوم قواعد و ضوابط رفتاری است و در کلیهٔ شئون زندگی وجود دارند» (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۸۷)؛ به عبارت دیگر، «هنجارها الگوهای رفتاری هستند که همهٔ افراد متعلق به یک فرهنگ در آن‌ها سهیم هستند. هنجارها معیارهای رفتاری تثبیت‌شده‌ای از آنچه که باید در یک فرهنگ خاص وجود داشته باشد» (کوئن، ۱۳۸۳: ۱۴۶). به عبارت آقای گیدنز، «هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهندهٔ "بایدها و نبایدها" در زندگی اجتماعی هستند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۷۴). جایگاه هنجارها در جامعه‌پذیری نظام اجتماعی این گونه است که افراد از طریق فراگیری هنجارها یاد می‌گیرند که چگونه نیازهای بنیادی

شیوه زندگی را در جامعه برآورده سازند و قواعد مشترک را می‌آموزند تا رفتار مناسب را در وضعیت‌های معین داشته باشند. هنجارها اگر در روابط اجتماعی رعایت نشوند، زندگی اجتماعی مختل می‌شود. به طور کلی، هنجارها در فرهنگ قرآنی به سه دسته تقسیم‌پذیر است:

الف) هنجارهای الزامی: دو عنوان واجب و حرام از قواعد رفتاری الزام‌آور است که در نظام اجتماعی نقش بنیادی دارند، از کنشگران انتظار می‌رود آن‌ها را بپذیرند. کسانی که این نوع هنجارها را نقض نمایند، مجازات می‌شوند؛ برای مثال، قواعد محرم و نامحرم در ازدواج و حجاب از هنجارها در فرهنگ قرآن است و برای ایجاد حریم میان زن و مرد در نظام اجتماعی، جامعه‌پذیری حجاب از هنجارهای الزامی است. در قرآن کریم، خداوند درباره حجاب می‌فرماید: «ای پیغمبر به همسران و دخترانت و نیز به زنان مؤمن بگو که جلباب‌های (= روسری‌های) خویش را به خود نزدیک سازند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، نزدیکتر است و خدا آمرزنده و مهربان است» (الأحزاب / ۵۹-۶۰). در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو دیدگان فروخوابانند و دامن‌ها حفظ کنند. این برای شما پاکیزه‌تر است. خدا بدانچه می‌کنید، آگاه است. به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش فروخوابانند و دامن‌های خویش حفظ کنند و زیورخویش آشکار نکنند، مگر آنچه پیدا است. سرپوش‌های خویش بر گریبان‌ها بزنند و زیور خویش آشکار نکنند» (النور / ۳۰-۳۱).

این آیات، حجاب را نوعی هنجار در نظام اجتماعی بیان می‌کنند. از این آیات استفاده می‌شود که زنان مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت‌وآمد کنند که علائم عفاف، وقار، سنگینی و پاکی از آن‌ها هویدا باشد و با این صفت شناخته شوند و در این هنگام، بیمار دلان که دنبال شکار می‌گردند، از آن‌ها مأیوس می‌گردند و فکر بهره‌کشی از آن‌ها در خیالشان خطور نمی‌کند. حجاب در فرهنگ اسلامی به لحاظ این است که توجه زیاد به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد، در عین حال، زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند. با رعایت حجاب در جامعه، رفتارهای افراد قانون‌مند شده، موجب تنظیم نظام اجتماعی می‌باشد.

ب) هنجارهای با مرجح دینی: الگوها و قواعد رفتاری هستند که بهتر است انجام یا ترک شوند و تخلف از آنها مجازات ندارد. این دسته از هنجارها با عنوان مستحب و مکروه قرار دارند؛ برای مثال، ازدواج در فرهنگ قرآنی از هنجارهای با مرجح دینی، یعنی مستحب است. ازدواج، عقد و قرارداد است که بر اساس آن، یک رابطه جنسی نسبتاً پایدار و مشروع به لحاظ دینی، میان دو فرد از جنس مخالف برقرار می‌شود. ازدواج در تبیین اجتماعی از جمله قاعده‌هایی است که از زیرمجموعه هنجارها به حساب می‌آید و به لحاظ دینی، از مستحبات است. بیان قرآن کریم از ازدواج چنین است: «مردان و زنان بی‌همسر (مجرد) خود را ازدواج دهید و نیز غلامان و کنیزان صالح و درستکار خویش را. چنانچه فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند. خداوند گشایش دهنده و داناست» (النور/ ۳۲). ازدواج از هنجارهای اسلامی است که پایه نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. علامه طباطبایی می‌نویسد: «فالنساء هن الرکن الأول والعامل الجوهری للإجتماع الإنسانی: زنان، سنگ زیرین و رکن اساسی و علت واقعی انسجام و تشکیل اجتماع خانوادگی انسان‌ها هستند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۲۳). ازدواج با زنان نقش آنها را در نظام اجتماعی نشان می‌دهد و از همین جاست که ازدواج از هنجارهای اساسی در جامعه پذیری است.

ج) هنجارهای مجاز دینی: شیوه‌های رفتاری هستند که افراد در انتخاب آنها آزادی عمل دارند؛ مانند رفتارهای بدون اولویت و ترجیح دینی که با عنوان «مباح» هستند.

۳-۴. عوامل جامعه‌پذیری

منظور از عوامل جامعه‌پذیری، سازمان‌ها و فرایندهای اجتماعی هستند که زمینه‌های لازم برای انتقال الگوهای اجتماعی را برای اعضا فراهم می‌کنند و آنها را مطابق آن الگوها می‌پرورانند. در این بین، برخی از عوامل هستند که بیش از عوامل دیگر بر فرایند جامعه‌پذیری مؤثرند و اعضا را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند. جامعه‌پذیری، فرایندی است که به موجب آن، جامعه فرهنگش را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد و فرد را با شیوه‌های پذیرفته‌شده و تأییدشده زندگی سازمان‌یافته اجتماعی سازگار می‌کند. از سوی

دیگر، در جریان این فرایند، فرد خود را با محیط اجتماعی پیرامون خویش سازگار می‌نماید. آثار جامعه‌پذیری در جامعه آن است که استعدادها و اموری را که فرد به آن نیازمند است، فرامی‌گیرد و نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و انتظارات متقابل جامعه را به فرد منتقل می‌نماید و چگونگی ایفای نقش را به فرد آموزش می‌دهد. در این فرایند که مراحل گوناگونی دارد و از بدو تولد تا آخر عمر را در بر می‌گیرد، عوامل متعددی ایفای نقش می‌کنند که ما در این بخش به تبیین مهم‌ترین عوامل آن می‌پردازیم.

۳-۴-۱. خانواده

در میان عوامل جامعه‌پذیری، خانواده همواره اهمیت ویژه‌ای داشته‌است. انسان در خانواده به دنیا می‌آید و همواره از حمایت‌های آن بهره‌مند می‌شود. در سال‌های کودکی، بیشترین ارتباط و تعامل انسان با اعضای خانواده است که با عواطف و احساسات عمیق نیز همراه هست. نخستین چیزهایی که یاد می‌گیرد، از خانواده و در محیط آن است. به همین دلیل است که بنیادهای اصلی جامعه‌پذیری در خانواده گذاشته می‌شود. در خانواده، بزرگترها، به‌ویژه پدر و مادر، کودکان خود را جامعه‌پذیر می‌کنند و به بیان بروس کوین، «خانواده مسئولیت جامعه‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد. ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود و باید آن‌ها را انجام دهد، نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شود» (بروس، ۱۳۷۳: ۸۰). محیط خانوادگی عامل قطعی مؤثر در ایجاد شرایط سازنده‌ای است که ارزش‌ها و گرایش‌های شخص را شکل می‌دهد. بخش مهمی از این فرایند در درون خانواده به صورت عمدی و آگاهانه انجام می‌پذیرد، ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده ممکن است الگوهای ناخواسته را برای شکل‌گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان فراهم سازد؛ یعنی زمانی که به بلوغ و دوره جوانی می‌رسند. به هر حال، اگر جامعه‌پذیری یا «اجتماعی شدن» فرایندی باشد که نسل‌های مختلف یک جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، «خانواده» از عوامل عمده جامعه‌پذیری از دوران کودکی تا جوانی و پس از آن است که به صورت یک سلسله

مراحل پی‌درپی رشد و تکامل، نسل‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد (ر.ک؛ گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۵).

در نظام اجتماعی قرآن، خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد. در باب تشکیل خانواده می‌فرماید: «از نشانه‌های خداست اینکه آفرید برای شما همسرانی از جنس خودتان تا بدیشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هرآینه در این کار برای مردمی که بیندیشند، نشانه‌ها و عبرت‌هاست» (الروم / ۲۱). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصاً زن به فرزندان کوچکتر رحم می‌کنند، چون در آن‌ها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حواجی ضروری زندگی خود را تأمین کند. لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست، تغذیه، لباس، منزل و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۵۰).

از تفسیر علامه طباطبایی استفاده می‌شود که خانواده با وجود مودت و محبت، عاملی مهم در تربیت و به عبارت ما، جامعه‌پذیری فرزندان است.

مکارم شیرازی در تفسیر آیه می‌نویسد:

«و اما مسئله "مودت" و "رحمت" در حقیقت، "ملاط" و "چسب" مصالح ساختمانی جامعه انسانی است؛ چراکه جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده است، همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگ‌ها تشکیل می‌شود. اگر این افراد پراکنده و آن اجزای مختلف با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند، "جامعه" یا "ساختمانی" به وجود نخواهد آمد. آن کس که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده، این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است. فرق میان "مودت" و "رحمت" ممکن است از جهات مختلفی باشد:

۱- «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد، «رحمت» جای آن را می‌گیرد. ۲- «مودت» درباره بزرگترهاست که می‌توانند نسبت به هم خدمت کنند، اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه «رحمت» پرورش می‌یابند. ۳- «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد، اما رحمت یک‌جانبه و ایثارگرانه است؛ زیرا برای بقای یک جامعه، گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض، که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد. البته آیه، مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می‌کند، ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «بینکم» اشاره به همه انسان‌ها باشد که دو همسر یکی از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند؛ زیرا نه تنها زندگی خانوادگی که زندگی در کل جامعه انسانی بدون این دو اصل، یعنی «مودت» و «رحمت» امکان‌پذیر نیست و از میان رفتن این دو پیوند و یا حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبختی، ناراحتی و اضطراب اجتماعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۳۹۳).

آیه شریفه، «مودت» بین دو همسر را در خانواده مطرح می‌کند. این «مودت» جامعه‌پذیری را در خانواده پایه‌ریزی می‌کند. از آنجا که خانواده اولین و مهم‌ترین رکن در بقای نظام اجتماعی است، «مودت» و «رحمت» که لازمه اخلاق انسانی و استمرار فضائل و کرامت‌های بشری است، بقای خانواده را تضمین می‌کند و با مراقبت و حفظ از یکدیگر هر دو همسر در خانواده جامعه‌پذیر انجام می‌شوند و چنانچه در خانواده‌ها این «مودت و رحمت» نباشد و یا به ضعف و کمبود گراید، نظام اجتماعی دچار اختلال می‌شود.

برای جامعه‌پذیری در خانواده از منظر قرآن، می‌توان انسان‌ها را به الگوها و نمونه‌هایی برتر توجه داد. تأثیر الگوها در ساخته شدن فرد و جامعه در نظام اجتماعی، بر کسی پوشیده نیست و هر نظام اجتماعی می‌تواند برای ایجاد آرامش و موفقیت در زندگی، به این الگوها و نمونه‌ها توجه ویژه داشته باشد. یک نمونه از خانواده برتر در قرآن، خاندان حضرت ابراهیم^(ع) است. خداوند به برگزیده بودن این خاندان اشاره فرموده است: «خداوند آدم ابوالبشر، نوح آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. خاندان و

دودمانی که برخی از برخی دیگر نشأت گرفته است و با هم پیوند و ارتباط داشتند و خداوند شنوای داناست» (آل عمران / ۳۳-۳۴). قرآن کریم در آیه دیگر از الگو بودن خانواده حضرت ابراهیم یاد کرده، می‌فرماید: ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ﴾ (الأنبياء / ۷۲). در این آیه، به یکی از مهم‌ترین مواهب خدا به ابراهیم^(ع) که داشتن فرزندی صالح و نسلی برومند و شایسته است، اشاره کرده است و می‌فرماید: «ما به او اسحاق را بخشیدیم و یعقوب فرزند اسحاق را به او افزودیم و همه آن‌ها را مردانی صالح، شایسته و مفید قرار دادیم».

قرآن کریم اهل بیت پیامبر اکرم^(ص) را به عنوان نمونه کامل از خانواده برتر معرفی کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب / ۳۳)، خداوند این خانواده (اهل بیت^(ع)) را از هر گونه رجس و پلیدی مبرا دانسته است. این معرفی خانواده‌های نمونه برای چیست؟ سؤال می‌شود که این برتری خانواده‌های آل عمران، آل ابراهیم و اهل بیت پیامبر اکرم^(ص) به چه چیزی بوده است؟ آنچه از تبیین این آیات استفاده می‌شود، این است که جامعه‌پذیری در این خانواده‌ها به بهترین صورت ممکن انجام شده است. داشتن فرزند صالح و پاکیزگی جسمی و روحی در این خانواده‌ها، نکته‌ای است که قرآن کریم بر برتری آن‌ها تأکید کرده است و این نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن با معرفی الگو و خانواده برتر و موفق است که انسان‌ها برای بهتر جامعه‌پذیر کردن فرزندان می‌توانند این خانواده‌ها را الگو قرار دهند.

۳-۲-۴. گروه همسالان (Peer Group)

قرآن به تأثیرپذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و به او نسبت به تأثیرهای آن‌ها هشدار می‌دهد؛ مثلاً درباره فرزند حضرت نوح^(ع) خداوند به صراحت می‌فرماید: «او از اهل تو نیست» (هود / ۴۶)؛ زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است. خداوند متعال به ستایش از جوانان

«اصحاب کهف» می‌پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند (ر.ک؛ الکهف / ۱۸-۱۹). قرآن کریم تأثیر گذاری دوستان شایسته و خوب را در هدایت انسان به سوی تکامل و سعادت و نیز نقش دوستان ناشایست را در کشاندن انسان‌ها به انحراف و ناهنجاری‌های اخلاقی توجه داده‌است. بی‌دقتی در دوستیابی، حسرت در قیامت را در پی خواهد داشت. در قرآن، پشیمانی چنین کسانی این گونه ترسیم شده‌است: «و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم. ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودیم؛ چرا که او بود که مرا به گمراهی کشانید، پس از آنکه قرآن به من رسیده بود» (الفرقان / ۲۷-۲۸). از این آیات استفاده می‌شود که گروه همسالان و رفاقت با افراد در جامعه‌پذیری با انتقال باورها، ارزش‌ها و هنجارها بر افراد تأثیرگذار است.

۳-۴-۳. رسانه‌های ارتباط جمعی

رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، فیلم، کتاب و... نقش بسیار مهمی در القای ارزش‌های جامعه به افراد دارند. نگرش‌ها و الگوهای رفتاری ما از اطلاعات داده‌شده و شیوه‌های ارائه‌شده از این رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرد. اثرات و سایل ارتباط جمعی بسیار گسترده و گوناگون است. این اثرات ممکن است به صورت درازمدت و کوتاه‌مدت انجام گیرد. این اثرات ممکن است ناشی از محتوای برنامه‌ها باشند و نیز احتمال آن می‌رود که بر عقاید، ارزش‌ها، اطلاعات، مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ظاهری ما تأثیر بگذارند. در عین حال، برنامه‌های رسانه‌ها، گرایش‌های جوانان به موقعیت شغلی، مصرفی، سیاسی، عشق و زندگی خانوادگی را شکل می‌دهد و از این راه، می‌تواند بر کنترل غیرمستقیم بینندگان خود نقشی داشته باشد.

در قرآن، واژه‌ای به نام «رسانه‌های جمعی» وجود ندارد، اما در فرهنگ قرآنی، «مسجد» به عنوان پایگاه اسلامی مقدس، یکی از رسانه‌های تأثیرگذار در جامعه‌پذیری است. مساجد با کارکردهای اجتماعی، بیشترین جاذبه را برای افراد جامعه دارند. یکی از

نویسندگان درباره کارکردهای مسجد در جامعه می‌نویسد: «در نهاد همچون مساجد، پیوسته گروه‌هایی از مسلمانان در مسیر اهداف متعالی اسلام و در راستای عینیت بخشیدن به برخی کنش‌های اجتماعی، همچون همکاری، همیاری و دگریاری تلاش می‌کنند. ارتباط‌های اجتماعی با حضور افراد در مسجد تقویت شده، کنش پیوسته با یکدیگر در جامعه به وجود می‌آید» (شریف‌پور، ۱۳۸۰، ۱۰: ۶۷). خداوند درباره مساجد می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا نام وی برده شود و در ویرانی آن‌ها بکوشد؟! آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد]ها در آیند. در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است ﴿(البقره/ ۱۱۴).

این آیه نقش مساجد در نظام اجتماعی را بیان می‌کند و از افرادی که نگذارند نام خدا در مساجد برده شود و در ویرانی آن‌ها تلاش می‌کنند، به خواری دنیا و عذاب در آخرت یاد کرده‌است. تحلیل اجتماعی آیه این است که مساجد باید در جامعه فعال باشند و از آن‌ها به عنوان رسانه جمعی استفاده شود تا افراد با فرهنگ اسلامی جامعه‌پذیر شوند. در جامعه‌ای، اگر فعالیت مساجد منع شود و آن‌ها خراب شوند، خواری دنیا و عذاب آخرت متوجه این جامعه خواهد شد. تبلیغ اسلامی در مساجد در بخش‌های آموزشی، اطلاع‌رسانی، انسجام‌بخشی و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی از عوامل تأثیر رسانه در جامعه‌پذیری است. تبلیغ اسلامی که از سوی علمای دینی انجام می‌شود، می‌تواند با ایجاد روشنگری و هدایت جامعه، از طریق آگاهی‌بخشی، تشویق به خوبی‌ها و ایجاد نفرت از بدی‌ها، فرهنگ اسلامی را نهادینه نماید. مساجد بزرگ‌ترین نقش را در هدایت معنوی جامعه داشته‌اند. یکی از وظایف مبلغان اسلامی این است که زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی نمایند تا در پرتو آن، زمینه‌سازی برای رشد و شکوفایی استعدادها و نیل به کمال و سعادت ممکن و میسر گردد.

۴-۴-۳. مدرسه

مدرسه عاملی است که به صورت رسمی از سوی جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی شده‌است (ر.ک؛ رابرتسون، ۱۳۷۷: ۱۲۸). نظام آموزشی با انتقال ارزش‌ها و الگوهای رفتاری، قوانین و مقررات یکسانی در کلیه سطوح جامعه، و به وسیله نهاد مدرسه و دانشگاه، موجبات همگونی و انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد. نظام آموزشی با تدریس ارزش‌های مشترک و مفاهیم اجتماعی یکسان بین گروه‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام مختلف جامعه است و از این طریق، عامل مهمی در جامعه‌پذیری افراد و سرانجام، همبستگی و انسجام اجتماعی به شمار می‌رود (ر.ک؛ فومنی، ۱۳۸۲: ۶۷). جامعه‌پذیری نوعی فرایندی انتقالی فرهنگ است. جامعه‌پذیری برای ثبات جامعه، با ارائه الگوها، ارزش‌ها و هنجارها را در رفتار دانش‌آموزان نهادینه می‌کند. دانش‌آموزان با جامعه‌پذیری می‌آموزند که چگونه باید در شرایط معین رفتار کنند و هر نقش یا منزلت اجتماعی چه انتظارات و توقعاتی با خود می‌آورد.

قرآن کریم در زمینه آموزش و پرورش می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (الجمعه / ۷-۲). در این آیات، برانگیختن رسولان الهی برای مردم، همراه با تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت برای آنهاست و کتاب و حکمت با یکدیگر توأم شده‌است و این نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که اسلام برای علم‌آموزی همگام با تزکیه و دریافت کتاب (قرآن) یا مطلق کتاب همراه با حکمت، یعنی آموختن حقیقت قائل شده‌است. جامعه‌پذیری با آموزش‌پذیری و تربیت‌پذیری دو ویژگی مهمی است که خدای متعال در آماده‌سازی انسان‌ها برای کمال‌یابی به آنان ارزانی داشته‌است. انسان‌ها می‌توانند برای دستیابی به دانش‌ها، بینش‌ها و ارزش‌ها، و در راستای شکوفاسازی استعدادها و قابلیت‌های خود از برنامه‌های آموزش و پرورش کمک بگیرند و جامعه‌پذیر شوند. دانش‌آموزان می‌توانند اشتباهات و کج‌روی‌های خود را با بهره‌گیری از معلمان، تصحیح و جبران کنند. با این روش، آنان

می‌توانند از افتادن در دام لغزش‌ها و بن‌بست‌ها پیشگیری کنند. جایگاه و نقش ویژه معلم و مربی در نظام آموزشی و پرورشی اسلامی در جامعه‌پذیری اهمیت ویژه‌ای دارد و معلمان توان شناختی دانش‌آموزان را در گزینش بهینه‌تر و رفتاری کارآمدتر یاری می‌دهند. شایسته است در همین جا آموزگاران الهی را از کسانی که دغدغه دینی ندارند، در انگیزه و رفتار جدا کنیم. انسان‌ها از نظر بهره‌مندی از سرمایه‌های خدادادی، چه در نیروها و توانایی‌های بدنی و چه از نظر روانی یکسان نیستند. برخورداری آنان از نعمت‌های طبیعی و اجتماعی و ابزارهای مورد نیاز در فعالیت‌های بیرونی و ساخت‌های ذهنی نیز متفاوت است. خدای متعال این جهان و گستره زندگی انسان را هنجارمند و متکی بر قانون آفریده است. بر اساس این تفاوت‌ها، چگونگی و میزان مسئولیت‌ها و نیز گستره زمینه‌ها، امکانات و فرصت‌های تکامل یا تنزل در انسان‌ها گوناگون است. اما قانون عادلانه خداوند این است که هر کس به میزان توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و نیز در محدوده امکانات و فرصت‌های گزینش خود در برابر خداوندی که این نعمت‌ها را به وی داده، مسئول و پاسخگو است. بر پایه این حکمت عادلانه است که بُرد و سطح تکامل با بُرد و سطح سقوط و تنزل انسان، متعادل و متوازن است.

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد:

«تکامل اجتماعی انسان، اکتسابی است... به وسیله تعلیم و تعلم و یاد دادن و یاد گرفتن، و در درجه اول، به وسیله فن نوشتن انجام شده است که می‌بینیم قرآن کریم هم به قلم و ابزارهای نوشتن قسم می‌خورد: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (القلم / ۱) و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (العلق / ۱-۴). خدای بزرگوار تو همان است که قلم به دست گرفتن را به انسان آموخت؛ یعنی استعداد پیشرفت در تکامل اجتماعی را به انسان داد» (مطهری، ۱۳۸۶: ۵۱۰).

شهید مطهری درباره تکامل در نظام اجتماعی می‌نویسد:

«انسان به موجب فطرت خود ویژگی‌هایی دارد که به واسطه آن‌ها، زندگی اجتماعی او متکامل است: خصایص انسان به حفظ و جمع تجربه‌ها و استعداد

یادگیری از راه بیان و قلم. همچنین، انسان به نیروی عقل و ابتکار مجهز است و میل ذاتی و علاقه فطری به نوآوری دارد» (همان، ۱۳۸۴: ۴۹۵).

بدین ترتیب، قرآن رسالت تعلیم و تربیت انسان را به عهده دارد و هر مفسر، پژوهنده و مربی که بدان روی آورد، به گونه‌ای راهی به شناساندن نظام اجتماعی قرآن می‌جوید و به فراخور فهم و توانش به تبیین دیدگاه‌های جامعه‌پذیری این کتاب آسمانی دست می‌یابد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق پس از بررسی موضوع جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن، به این نتیجه رسیده است که جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن تفسیرپذیر است. افراد در جامعه اسلامی به گونه‌ای جامعه‌پذیر می‌شوند که در فرایند یادگیری، الگوی فرهنگ نظام توحیدی را مد نظر داشته باشند. روش جامعه‌پذیری بر اساس تزکیه افراد، تقلید آگاهانه و تأثیرپذیری از گروه مرجع هدایت‌بخش باشد. جامعه‌پذیری در باورهای فرهنگی همراه با نهادینه کردن جهان‌بینی توحیدی و باور به جهان آخرت و عضویت در گروه مؤمنان متقی، سعادت ابدی را مد نظر دارد. همچنین، جامعه‌پذیری در ارزش‌های فرهنگی، مانند احسان به پدر و مادر، انفاق و کمک به دیگران و اصلاح اجتماعی درونی می‌شود و در فرایند آرمانی باعث جهت‌گیری می‌شود تا نظام اجتماعی با نشاط و تحرک، سیر تکاملی داشته باشد. جامعه‌پذیری در هنجارهای فرهنگی با پذیرش باید‌ها و نبایدها و در قالب واجب‌ها و حرام‌ها، در عملکرد افراد نظارت انجام می‌دهد تا نظام اجتماعی قانون‌مند باشد. مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری، خانواده، گروه همسالان، رسانه‌های ارتباط جمعی و مدرسه هستند. خانواده با ایجاد آرامش و وجود مودت و رحمت در جامعه‌پذیری تأثیر می‌گذارد. گروه همسالان با دوستی و همنشینی، در جامعه‌پذیری جوانان اثرگذار است. مساجد به مثابه رسانه تبلیغی، افراد را جامعه‌پذیر می‌کنند. مدارس با مقدم کردن تزکیه بر تعلیم، جامعه‌پذیری نظام اجتماعی قرآن را عملیاتی می‌نمایند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- آگبرن، ویلیام و مایر نیم کوف. (۱۳۵۷). *زمینه جامعه‌شناسی*. ترجمه امیرحسین آریان‌پور. تهران: امیرکبیر.
- اخترشهر، علی. (۱۳۸۶). «رسانه‌های ارتباط جمعی و نقش آن‌ها در جامعه‌پذیری دینی». *معرفت*. ش ۱۲۳. صص ۱۱۸-۱۰۱.
- اسمیت، فیلیپ دانیل. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. ترجمه حسن پویان. چ ۱. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- باهنر، محمدجواد. (۱۳۶۱). *جهان‌بینی اسلامی*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- برگر، پیترو و توماس لوکمان. (۱۳۸۷). *ساخت اجتماعی واقعیت*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- بستان نجفی، حسین و همکاران. (۱۳۸۵). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. چ ۲. تهران: انتشارات کیهان.
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی خانواده*. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه*. ترجمه حسین بهروان. چ ۳. تهران: آستان قدس رضوی.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۲). *آنانومی جامعه یا سنت الله؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. چ ۳. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: تبیان.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. چ ۱۹. تهران: اطلاعات.
- سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو). (۱۳۷۹). *راهبردهای عملی توسعه*

- فرهنگی (مجموعه پنج دفتر درباره توسعه فرهنگی). ترجمه محمد فاضلی. چ ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، مرکز پژوهش‌های بنیادی: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فضل‌الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق.). من وحی القرآن. چ ۱. لبنان - بیروت: بی‌نا.
- کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۸۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. چ ۱۱. تهران: علمی.
- کوبین، بروس. (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. چ ۲۳. تهران: نشر توتیا.
- گلشن فومنی، محمدرسول. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. چ ۳. تهران: نشر دوران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گولد، جولیس. (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه جمعی از محققان. چ ۲. تهران: انتشارات مازیار.
- مریجی، شمس‌الله. (۱۳۸۲). «علل نادیده گرفتن ارزش‌ها». معرفت، ش ۷۲، صص ۲۴-۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. چ ۱۰. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۸۰). جامعه و تاریخ از دید قرآن. چ ۵. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). مجموعه آثار. ج ۲۵. چ ۱. تهران: صدرا.
- _____ . (۱۳۸۴). مجموعه آثار. ج ۱۰. چ ۱۲. تهران: صدرا.
- _____ . (۱۳۸۶). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۷). درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری. چ ۱. تهران: جیحون.
- مندراس، هانری. (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. چ ۶. تهران: امیرکبیر.

